

قربانی‌شناسی قضایی بر مبنای نظریه برچسب‌زنی و راهکارهای پیشگیری از آن

تهمینه شاهپوری*

محمدمتین پارسا** - دکتر نبی‌اله غلامی**

چکیده:

امروزه در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا، بزه‌دیدگی سهم عمده‌ای از مطالعات را به خود اختصاص داده و از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر همین اساس یکی از انواع مطالعات در بزه‌دیدہ‌شناسی، قربانی‌شناسی قضایی است که به نقش نهاد عدالت کیفری در ایجاد آسیب به ارباب‌رجوعان خود می‌پردازد. مصادیق این عنوان که می‌تواند بر تمام افراد دخیل در امر دادرسی تحمیل شود، مواردی چون تحمیل هزینه‌های اقتصادی، رفتارهای نامناسب عوامل قضایی و ... می‌باشد. برای شناخت علت و تحلیل صحیح آن باید نظریه برچسب‌زنی را به‌خوبی بررسی کرد. بر پایه این نظریه، بزهکاری زمانی به‌وجود می‌آید که قانونگذاران با تصمیم‌های خودسرانه که در زمان و مکان تغییر می‌کند، رفتارهایی را که در جایی دیگر مباح و پذیرفتنی بوده یا هست، جرم‌انگاری کنند. در این مقاله با تحلیل قربانی‌شناسی قضایی، پیامدهای آن از دیدگاه نظریه برچسب‌زنی، آثار مخرب آن بر فرد و جامعه و آثار عدم‌توجه به آن مورد بررسی قرار گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها:

قربانی، قربانی‌شناسی قضایی، نظریه برچسب‌زنی، پیشگیری.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۹
صفحه ۲۷۱-۲۹۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

-
- * دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول
Email: tahminehshahpuri@yahoo.com
- ** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Email: m.m.parsa@ut.ac.ir
- ** دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Email: Nabiollah.Gholami@yahoo.com

مقدمه

گسترده‌ی اجتماع و افزایش تخصص در دانش بشری و بالتبع افزایش وابستگی‌های اجتماعی، زمینه‌ی برخورد‌های انسانی را از هر نوع آن افزایش داده است. نیازهای اجتماعی زمینه این وابستگی و افزایش مداخلات است که این امر، نقش قوه قضائیه و سیاست‌های قضایی را پررنگ‌تر کرده است. رفت‌وآمد ارباب‌رجوعان نهاد عدالت کیفری به سیستم قضایی، موجب توجه به مقوله‌ای است که از آن تحت عنوان بزه‌دیدگی غیرمستقیم یا ثانویه یاد شده است که به آثار منفی‌ای گفته می‌شود که از رهگذر پاسخ‌گویی افراد مانند اعضای خانواده یا دوستان بزه‌دیده یا برخی نهادها (پلیس، دادسرا، دادگاه و ...) پس از رخداد جرم (بزه‌دیدگی اصلی) یا در فرایند عدالت جنایی به بزه‌دیده وارد می‌شود.^۱ در این میان نقش بزه‌دیدگی‌های حاصل از دستگاه قضایی از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا این نهاد مسئولیت اجرای عدالت و تحقق آن را برعهده دارد و تحمیل بزه‌دیدگی از ناحیه نهاد مجری عدالت، برخلاف اهداف این نهاد و موجب گرایش به انتقام خصوصی خواهد شد؛ اما آنچه در این میان بیش‌ازپیش اهمیت دارد، این است که عملکرد این نهاد نه‌تنها باید در قالب جرایم ارتكابی از سوی آنان بررسی شود بلکه باید مورد مطالعات آسیب‌شناسانه دقیق قرار گیرد که موضوع آن نه‌فقط بزه‌دیدگان نخستین بلکه متهمان، محکومان، شهود و خانواده‌ی افراد درگیر در فرایند عدالت کیفری است که عملکرد نادرست سیستم عدالت کیفری بر آنان تأثیر مستقیم می‌گذارد و به اصطلاح قربانی این سوءرفتار، تنها بزه‌دیدگان اصلی نیستند. قربانی‌شناسی قضایی به دنبال شناخت علت‌ها و آثار آسیب‌ها و در مفهوم عام، بزه‌دیدگی‌هایی است که از ناحیه نهاد عدالت کیفری بر ارباب‌رجوعان آن تحمیل می‌گردد و هدف آن یافتن پاسخی سودمند به آثار منفی این نوع بزه‌دیدگی است و پیشگیری از آن، مهم‌ترین هدف این مطالعات است. بدین‌سان، قربانی‌شناسی قضایی به‌منزله یک رویکرد مطالعاتی در زمینه بزه‌دیده‌شناسی در مفهوم عام، از افراد درگیر در فرایند عدالت کیفری در برابر این نهاد حمایت می‌کند. یکی از نظریه‌هایی که به بهترین نحو می‌تواند تأثیر این آسیب‌ها را تحلیل نماید، نظریه برچسب‌زنی یا تعامل‌گراست. نظریه برچسب‌زنی در فضای انتقاد به حقوق کیفری و جرم‌شناسی عصر خود مطرح شد و ابتدا تعریف حقوقی (قانونی) جرم و فرایند جرم‌انگاری را مورد انتقاد قرار داد و سپس برچسب‌زنی را به‌عنوان عامل جرم مطرح و از جرم‌شناسی موجود

۱. مهرداد رایجیان اصلی، «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، مجله حقوقی دادگستری ۵۳ (۱۳۸۴)، ۹۳.

به‌خاطر خُرد نگرى و نادیده گرفتن نقش حقوق کیفرى و نهادهای کنترل جرم در بررسی عوامل جرم به‌شدت انتقاد کرد.^۲ لذا با نگاه به این نظریه به‌خوبی می‌توان قربانی یا بزه‌دیده قضایی را شناخت و به تحلیل آن پرداخت و درنهایت درجهت پیشگیری از آن گام برداشت. این نوشتار با درک اهمیت این موضوع، به‌دنبال بررسی مفهوم قربانی قضایی و مهم‌ترین راهکار پیشگیری از وقوع آن می‌باشد.

۱- قربانی قضایی و اجرایی؛ مفهوم، قلمرو و آثار

ماده ۱ بخش الف از اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵) بزه‌دیده را چنین تعریف می‌کند: «بزه‌دیدگان اشخاصی‌اند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو ازجمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند - به‌صورت فردی یا گروهی به آسیب - ازجمله آسیب بدنی و روانی - درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند.^۳ مندلسون نیز بزه‌دیده را این‌گونه تعریف می‌کند: شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که این عوامل دارای ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی همچنین طبیعی (حوادث طبیعی) می‌باشند. در مفهوم خاص، بزه‌دیدگی صرفاً به مواردی اختصاص خواهد یافت که درنتیجهٔ اقدامات قضایی جرم اتفاق افتد که از آن با عنوان بزه‌دیدگی قضایی یاد می‌شود.^۴ قربانی قضایی، شخصی است که از رهگذر مداخله در فرایند کیفری، چه متهم و بزه‌دیده باشد و چه شهود و خانوادهٔ طرفین، دچار آسیب از هر نوع آن می‌شود. مفهوم آسیب و قربانی شدن نسبت به بزه‌دیدگی موسَّع‌تر است. لذا معنای موسَّع بزه‌دیدگی^۵ موردنظر نگارنده می‌باشد که از آن به قربانی و قربانی‌شناسی تعبیر شده است؛ درمقابل بزه‌دیدگی ناشی از جرم.^۶

۲. علی‌حسین نجفی ابرنآبادی؛ مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، نیمسال دوم (تهران: تهیه و تنظیم مهدی صبوری، ۱۳۸۴-۱۳۸۳)، ۲۰۷۶.

۳. علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی) تقریرات، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴-۱۳۷۳)، ۳۵.

۴. تهمینه شاهپوری، «بزه‌دیدگی قضایی در مرحله مقدماتی»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: دانشکده حقوق، دانشگاه سراسری قم، ۱۳۹۳)، ۱۷.

5. Victimization

6. Crime Victimization

نظریه‌های مختلف جرم‌شناسی هر یک، به شیوه‌ای علت بزه‌دیدگی و در مفهوم موسع آن آسیب‌دیدگی را توجیه کرده‌اند. همان‌طور که بیان شد، برخی علت بزه‌دیدگی را درونی و برخی آن را خارجی یا اجتماعی می‌دانند، اما برخی از دیدگاه‌ها، علت بزه‌دیدگی را به‌گونه‌ای متفاوت از سایر دیدگاه‌ها تحلیل کرده‌اند. برخی شکل عملکرد حکومت را علت بزهکاری و بزه‌دیدگی می‌دانند و برخی علت را در وجود حقوق جزا و دستگاه‌های وابسته به آن جستجو می‌کنند و قائل به حذف حقوق جزا هستند. به‌طور مثال جرم‌شناسی برچسب‌زنی که علت بزهکاری را در نوع برچسبی می‌داند که قانونگذار انتخاب می‌کند و قاضی آن را بر متهم می‌زند که این اتهام موجب بزهکاری‌های مجدد فرد می‌شود و تبعات بیشتری را برای فرد و اجتماع در پی خواهد داشت یا جرم‌شناسی تعامل‌گرا یا بنیادگرا که برخی آن را جرم‌شناسی اختصاصی - خاص نیز نام نهاده‌اند.^۷ این دیدگاه به‌طور عمده بر این باور است که باید با شناخت کافی نسبت به قوانین و مقررات دنیای حاضر و نظام سرمایه‌داری، آن را تغییر داد، پس شناخت قوانین و مقررات کافی نیست و این شناخت باید به‌منظور تغییر بنیادی در این جوامع صورت بندد. در این مفهوم بنیادگرایی یعنی قطع زنجیرهای اتصال به گذشته و ایجاد و پی‌ریزی جامعه‌ای نوین با هدف جبران ضعف‌ها و کاستی‌های گذشته. جرم‌شناسی تعامل‌گرا به تشکیلات دستگاه عدالت کیفری به‌عنوان نهادها و فرایندهایی برچسب‌زن و مؤثر در ارتکاب جرم می‌نگرد و در واقع نقش منفی آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دیدگاه مطالعات خود را از نهاد قانونگذاری آغاز می‌کند و تا نهادهایی که مسئول اجرای مجازات‌اند یعنی پلیس، دادسرا، زندان‌ها و مؤسسات مراقبتی، مأموران تعلیق و آزادی مشروط و حتی مسئولان سرویس‌های مراقبت بعد از خروج، به پیش می‌برد و بدین ترتیب کل نهاد کیفری را در قلمرو مطالعاتی خود بررسی می‌نماید.^۸

گسترده‌ترین قسمت جرم‌شناسی برچسب‌زنی را دستگاه عدالت کیفری یعنی اداره و مدیریت آن دسته از دستگاه‌های تخصصی که مسئول امر مجازات نسبت به اعمالی هستند که لطمه و صدمه به ارزش‌های اساسی جامعه محسوب می‌شوند، تشکیل می‌دهد.^۹ پس قربانی شدن قضایی به این معناست که ممکن است برخی بزه‌دیدگی‌ها در داخل دستگاه

۷. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مختصر جرم‌شناسی، تقریرات جمع‌بندی کارشناسی ارشد (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷)، ۲۶.

۸. همان، ۲۱۸.

۹. گریگوری فلانگان، «مهندسی جرم»، مترجم عباس ایمانی، مجله کانون وکلا ۱۸۸ و ۱۸۹ (۱۳۸۴)، ۲۸.

عدالت کیفری اتفاق افتد و علت، خود دستگاه عدالت کیفری باشد. تمام افرادی که دخیل در روند دادرسی هستند، از جمله شاکی، متهم، شهود ممکن است با ورود به پرونده کیفری و پیگیری دستگاه‌های عدالت کیفری، به واسطه برخی عوامل چون عوامل اجرایی یا نقایص قانونی دچار بزه‌دیدگی شوند.

یکی از مصادیق قربانی‌شناسی قضایی، بازداشت موقت‌های غیرقانونی است. بازداشت موقت چنانچه خارج از اصول حقوقی اعمال شود برای متهمان بی‌گناه، خسارات غیرقابل جبرانی به بار خواهد آورد. امروزه حقوق دانان صرف صدور حکم براءت و یا قرار منع تعقیب را برای دریافت خسارت کافی نمی‌دانند و معتقدند که متهم وقتی استحقاق دریافت خسارت را دارد که بی‌گناهی واقعی خود را ثابت نماید. پروفیسور لئوته وودل از جمله حقوق دانان برجسته‌ای بودند که این نظر را ابراز داشته‌اند.^{۱۰} این نظر امروزه مورد پذیرش اکثر نظام‌های حقوقی می‌باشد. علاوه بر مشکلات قانونی که این نهاد کیفری داراست، معضلاتی چون عدم تفکیک بازداشتگاه‌های متهمان و محکومان^{۱۱}، شرایط نامناسب بهداشتی بازداشتگاه‌ها، عدم جداسازی متهمان و خطر آموزش جنایی^{۱۲}، نداشتن حق خلوت شرعی مناسب و ... بزه‌دیدگی‌هایی را، چه بر متهمان بی‌گناه و چه متهمان گناهکار وارد می‌کند. به همین مناسبت قرار بازداشت باید با کمال دقت و احتیاط به موقع اجرا گذاشته شود تا موجبات خسارت مادی و معنوی متهم به‌ویژه افراد بی‌گناه را فراهم نسازد و به آزادی فردی که در قانون اساسی کشورهای جهان، منشور ملل متحد، اعلامیه‌های متعدد حقوق بشر و در بسیاری از قوانین و میثاق‌های بین‌المللی، اعلام و تضمین گردیده است، لطمه وارد نیاید.^{۱۳}

مورد دیگر، سرزنش کردن متهم به واسطه اتهام توسط قاضی و نحوه رفتار او با متهم است که از ملاک‌های عدالت تقابلی در تعیین ایجاد بزه‌دیدگی در فرایند دادرسی است. نتیجه این معیار نشان می‌دهد که چنانچه قضات در رفتار خود نوعی پیش‌داوری^{۱۴} را اعمال کنند باعث نوعی بزه‌دیدگی بر متهمان خواهند شد^{۱۵}؛ زیرا مجازات خاطیان در قانون تعیین شده

۱۰. محمد آشوری، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)* (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶)، ۳۶.

۱۱. حسین آقایی جنت‌مکان، «تضمین حقوق متهم در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب

۱۳۷۳»، (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵)، ۷۵.

۱۲. مریم عباچی، *حقوق کیفری اطفال در اسناد ملل* (تهران: انتشارات مجد ۱۳۸۰)، ۲۵.

۱۳. محمود آخوندی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۷)، ۵۴.

14. Prejudge

15. Uli Orth, "Secondary Victimization of Crime Victims by Criminal Proceeding," *Social Justice Research* 15(4) (December 2002): 325

است و اعمال چیزی غیر از آن در صورت اثبات گناهکاری نیز، خود بزه‌دیدگی است و از آنجاکه اکثریت افراد جامعه را کسانی تشکیل می‌دهند که به قوانین احترام می‌گذارند و در مقابل عده‌قلیلی از آن عدول می‌کنند، با توسل به شکنجه، قاضی ممکن است و احتمال زیاد دارد به شخص بی‌گناهی خشونت روا بدارد. این شکنجه را نه در معنای سنتی آن، بلکه می‌توان به تحمیل بزه‌دیدگی بر متهمان قبل از اثبات بزهکاری از سوی قاضی که همانا پیش‌داوری است، تعبیر نمود. در ادامه ارتباط آسیب قضایی با نظریه برچسب‌زنی است و اینکه چگونه قربانی‌شناسی قضایی از این منظر توجیه می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین پس از معرفی این نهاد و برخی از مهم‌ترین مصادیق آن، به روش‌های پیشگیری از آن پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم‌شناسی نظریه برچسب‌زنی در ارتباط با قربانی‌شناسی در فرایند

کیفری

آنچه انحراف را به پایگاه منحرفانه پیوند می‌زند، واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در برابر مرتکب است که در نظریه تعامل‌گرایی، با مفهوم برچسب‌زنی مورد اشاره قرار گرفته است. اهمیت این اصطلاح و عنایت ویژه نظریه مذکور به آثار سوء آن، تعریف و بررسی مسائل پیرامون آن را ضروری می‌سازد. این ضرورت، آنگاه برجسته‌تر می‌شود که توجه کنیم، برخورد نامناسب مأموران انتظامی و قضایی با متهم موجب الصاق انگ مجرمانه به وی و تحقق بزه‌دیدگی سازمانی وی از مأموران متخلف و بدرفتار می‌گردد و متهم را به انتقام و خصم‌جویی از نظام رسمی کیفری سوق می‌دهد. خرده‌فرهنگ پلیس، فرهنگی حرفه‌ای است که با مشکلات و ناکامی‌های کار پلیس شکل می‌گیرد. فرهنگ پلیس از ویژگی مشترک شخصیت کاری افراد و نهادهایی توسعه داده می‌شود که در کار پلیس درگیر هستند. این شخصیت درنهایت با تقاضای کار پلیس تعیین می‌شود و همچنین به‌وسیله ساختار شخصیت افراد در پلیس و ارزش‌های خود خرده‌فرهنگ تعیین می‌شود. ویلسون فساد را به‌عنوان نتیجه استانداردهای پایین اخلاقی و محصول خرده‌فرهنگ پلیس می‌داند. در این رویکرد فرض بر این است که وقتی گروهی از افراد نبود سلامت را در رفتار خود نشان می‌دهند، این مسئله ممکن است به دلیل فرهنگ نادرست مأموران باشد.^{۱۶} خرده‌فرهنگ‌ها پایدار و نسبتاً

16. David Alan Skalansky, "Seeing Blue: Police Reform, Occupational Culture and Cognitive Burn-in." *South Carolina Police Occupational Cultural* 75 (January 2007): 49.

مستقل از یکدیگر هستند و بر اعضاء نفوذ می‌کنند. به هر روی، فساد، آثار و پیامدهای منفی فراوانی برای سازمان دارد از جمله آنکه می‌توان بدبینی، اختلال در سیستم اداری، اختلال در اجرای قانون و گسترش قانون‌گریزی، کاهش امنیت اخلاقی، ناکارآمدی پلیس، کسب ثروت‌های بادآورده، شیوع اقدامات نامشروع و غیرقانونی، نارضایتی و بی‌اعتمادی عمومی از پلیس، آلودگی و مدیران، سوءاستفاده شغلی و سوءاستفاده از قدرت و درنهایت غلبه رابطه‌مداری بر ضابطه‌مندی که اصول سازمان پلیس را خدشه‌دار کرده، این نهاد مجری قانون را به یک واحد قانون‌شکن، بدرفتار و بزه‌دیده‌ساز تبدیل می‌کند و از همه بدتر آنکه، موجب آسیب‌دیدگی متهم از سوءرفتار پلیس و پرسنل قضایی می‌گردد.

در توضیح فرایند آسیب متهم از بدرفتاری و تضييع حقوق ارتكابی توسط پرسنل متخلف انتظامی و قضایی باید ابتدا فرایند برچسب‌زنی نظام کیفری رسمی به متهم را توضیح داد. به‌لحاظ روان‌شناختی، هرگاه صفتی مثبت یا منفی به کسی نسبت داده شود، وی به‌صورت ناخودآگاه، به سمت اثبات آن سوق داده خواهد شد. از این‌رو، در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی، توصیه می‌گردد که از انتساب صفات زشت به افراد اجتناب شده و تنها، عمل شخص مورد‌واکنش قرار گیرد و نه تمامیت مادی و معنوی او. امروزه، حتی در روان‌پزشکی مدرن، تلاش‌هایی درجهت جایگزینی عبارات تحقیرآمیز گذشته با اصطلاحاتی مناسب‌تر و پرهیز از ورود صدمات جبران‌ناپذیر به هویت فرد، صورت می‌پذیرد. هدف از این توصیه‌ها و تلاش‌ها، جلوگیری از تزییل شخصیت و توسل به تدابیری انسانی‌تر، ملایم‌تر و شایسته‌تر است تا حالت تدافعی در شخص کم‌رنگ شده و فرایند اصلاح، درمان و کمک به هم‌نوایی او آسان‌تر انجام گیرد.^{۱۷}

برچسب منفی یعنی تفاوت نامطلوب شخص به‌لحاظ اجتماعی و بر اساس تعدادی ویژگی مشخص. در این فرض، صفتی پست، وجه تمایز فرد از حالت بهنجار را رقم می‌زند، ادراکات منفی مانند شرم و رسوایی را تقویت می‌نماید و شخصیت او را تنزل می‌بخشد. در جرم‌شناسی تعامل‌گرا، برچسب‌زنی، اعم از انتساب صفاتی تحقیرآمیز است که گروه‌های اجتماعی غیررسمی و متولیان رسمی کنترل اجتماعی در واکنش به نقض هنجارهای مورد‌اجماع خود که اغلب قراردادی و متغیر هستند، به فرد ناقض می‌دهند. الصاق برچسب مجرم به یک فرد،

۱۷. عباس حیدری، علی مشکین‌یزد و پروانه سودمند، «تحلیل مفهوم انگ (استیگما) بیماری روانی»، فصلنامه

علمی - پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی بیرجند ۱۱(۱۳۹۳)، ۲۱۹.

پیامد طبیعی ارتکاب عملی ممنوع، یعنی کج‌روی اولیه است یا محصول اشتباه یا فساد قضایی در رسیدگی کیفری، به‌رغم عدم ارتکاب جرم از سوی شخص. در هر دو صورت، عاملی است که می‌تواند منجر به بروز انحرافات بعدی، تقویت کج‌رفتاری و آفرینش منحرفی حرفه‌ای گردد. فرد برچسب‌خورده، شانس کمتری برای درستکاری دارد و چه‌بسا رفت‌وآمدهای مکرر وی به دستگاه عدالت کیفری، در آینده به موضوعی عادی تبدیل شود.^{۱۸ و ۱۹}

مرکز اهتمام این نظریه، معطوف به ماهیت کنش متقابل است که میان بزه‌کار، بزه‌دیده و مقامات نظام عدالت کیفری به‌وقوع می‌پیوندد. نظریه‌پردازان این تئوری نهادگرا معتقدند جرم در واقع پدیده‌ای عینی نیست، بلکه این ماهیت کنش‌های متقابل میان افراد و همچنین طبیعت برچسب‌زدن‌های گزینشی است که آن را شکل می‌دهد. این نظریه، به آثار وارد آمدن برچسب بر روند رشد و تحول روانی و اجتماعی مجرمان اشاره دارد و تأکید می‌کند یکی از پیامدهای عمده بدنامی - بدنامی‌ای که ممکن است از رهگذر سوءاستفاده از حق انتشار اطلاعات، با درج یک خبر یا افترا یا افشای اسرار توسط یک بدنام‌کننده رخ دهد - آن است که افرادی که برچسب منفی به آنها زده شده است، نه‌تنها در اعمال مجرمانه، خلافکارانه یا کج‌روانه بیشتری درگیر می‌شوند، بلکه حتی آرامش خود را در همراهی با کسانی می‌جویند که به همان شکل «بیگانه» تلقی می‌شوند. از این‌رو دیدگاه برچسب‌زنی یادآور می‌شود که واکنش نظام جزایی در برابر رفتارهای مجرمانه، باید مبتنی بر نوعی «سیاست تغییر» باشد؛ تغییری که به تعبیر جان برایت وایت، پیش‌کسوت در نظریه جرم‌شناختی عدالت ترمیمی، از شرمسازسازیِ مخرب به شرمسازسازی بازسازگارکننده میل کند.^{۲۰}

دیدگاه جرم‌شناختی برچسب‌زنی، جرم را در خلال کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی تعریف می‌کند و کانون تحلیل آن، مناسبات میان مجرم و افراد دارای قدرت برچسب‌زنی است. این رویکرد، علت وقوع بزه را بدنامی و پیامدهای منفی برچسب‌زنی می‌داند و معتقد است ماهیت بزه، تعیین‌یافتگی فرایند برچسب‌زنی است. این نظریه، تغییر مسیر نظام رسمی عدالت کیفری را به‌عنوان راهبرد واکنش به جرم پیشنهاد می‌کند و تأکید دارد که پیشگیری از جرم تنها از دو رهگذر جرم‌زدایی و عدم‌مداخلهٔ بنیادی عدالت کیفری دولتی در ناپهنجاری‌های رفتاری

۱۸. فرانک پی ویلیامز، ماری لی دی مک‌شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمهٔ حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، ۱۵۷-۱۵۵.

۱۹. ریموند گسن، *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا (تهران: مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰)، ۱۵۸.

20. John Braithwaite, "Setting Standards for Restorative Justice," *BRIT.J.Criminal* 42 (2002): 109.

آدمیان است. حامیان این نظریه درخصوص چگونگی عملکرد نظام جزایی رسمی تصریح می‌دارند که نظام نباید اثر بدنام‌کننده داشته باشد و برای تحقق این هدف، افزایش سطح کیفی مدارا و کاستن از میزان مداخله در امور نابهنجار شهروندان را بایسته می‌دانند. دیدگاه برجسب‌زنی مدعی است «کج‌روی ثانویه» هنگامی صورت می‌پذیرد که فرد به سبب مواجه شدن با واکنش جامعه در برابر کج‌روی نخستین خویش، نوعی بازنگری اساسی را در خودپنداره و سپس در رفتار خود تجربه می‌کند.

نظریه برجسب‌زنی، دو ملاحظه را داراست: نخست، ملاحظه‌ای در باب اینکه چگونه یک رفتار خاص، برجسب «انحرافی» می‌خورد و دل‌مشغولی دوم درخصوص پیامدهای این فرایند برجسب‌زنی است. بیکر در این زمینه چنین می‌گوید: «گروه‌های اجتماعی، انحراف را این‌گونه خلق می‌کنند؛ قواعدی را می‌سازند که تخلف از آنها، انحراف را به‌وجود می‌آورد و این قواعد در مورد افرادی خاص به‌کار گرفته می‌شوند و بر آنها، برجسب «غیرخودی» الصاق می‌گردد. از این نقطه‌نظر، انحراف، کیفیت عملی نیست که یک فرد مرتکب می‌شود، بلکه نتیجهٔ به‌کار بستن قواعدی از سوی دیگران و مجازات‌هایی درخصوص یک «مجرم» است. منحرف، فردی است که برجسب موردنظر با موفقیت درخصوص او به‌کار گرفته شده است؛ رفتار انحرافی نیز رفتاری است که مردم بر آن چنین برجسبی را می‌زنند.»^{۲۱} بدین ترتیب، در فهم پدیدهٔ انحراف، نکتهٔ مهم در واکنش به رفتار و نه خود رفتار نهفته است. این مسئله بیکر را بر آن داشت تا نوعی گونه‌شناسی چهار مؤلفه‌ای را از برجسب‌های ممکن (واکنش‌ها) نسبت به رفتار انحرافی به‌وجود آورد که شامل این موارد بود: متهم به اشتباه، منحرف ناب، منحرف منطبق و منحرف پنهان.

عنصر روان‌شناختی کلیدی در ساختار نظری تئوری برجسب‌زنی، «پیشگویی تحقق‌یابنده» است. توضیح آنکه، هویت هر فرد را دو عنصر تعیین می‌کند: افرادی که واقعتاً او را تعریف می‌کنند؛ و دیگر، چگونگی صورت پذیرفتن این تعریف. از همین روست که این دیدگاه مدعی می‌شود افرادی که بر آنان برجسب‌هایی مانند «کودن»، «تیزهوش»، «ابله»، «نابغه» و مانند اینها وارد می‌آید، واکنش‌هایی متناسب با آن برجسب از خود بروز می‌دهند. به‌نظر هاوارد بیکر،

۲۱. راب وایت و فیونا هینس، *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*، ترجمهٔ روح‌الله صدیق بطحایی اصل (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۲)، ۱۹۵.

اثر واکنش اجتماعی بر سنخ‌هایی خاص از رفتار یا دسته‌هایی خاص از افراد، نقشی اساسی در تبیین فرایند جرم‌انگاری دارد.^{۲۲}

نحوه برخورد نامناسب نهاد عدالت کیفری با متهم در دامان این نظریه توجیه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که این نهاد کج‌روی عدالت می‌تواند با روش‌های نامناسب و ترذیلی با متهم او را به سمت خودبرچسب‌زنی و پس از آن برچسب زدن از سوی نهادهای غیررسمی سوق دهد. به‌طور مثال انتشار تصویر متهم که نمونه بارز این نوع برخوردهاست؛ و اما چه ارتباطی میان برچسب‌زنی با انتشار تصویر چهره متهم در رسانه‌ها وجود دارد؟ باید گفت که انتشار تصویر متهم به قتل عمد، آدم‌ربایی و تجاوز به عنف که در حال حاضر به متهمان جرایم کم‌اهمیت‌تر نظیر سرقت و کلاهبرداری نیز تسری داده شده است، ما را به کنجکاوی درباره دو مسئله پیرامون دستوری که گفته می‌شود از سوی مقام قضایی در این باره صادر می‌شود، وامی‌دارد: الف) قانونی بودن این دستور؛ بدین‌منظور که قانون این عمل را مجاز بداند یا خیر که اگر با تجویز قانون باشد پیامدهای منفی جرم‌شناختی آن مدنظر قرار می‌گیرد؛ ب) مطابقت آن با آموزه‌های نظریه جرم‌شناختی برچسب‌زنی. اهمیت موضوع از این جهت دوچندان است که بعضاً حتی تصویر چهره کسی که هنوز دلایل اتهام او بررسی نشده نیز منتشر می‌گردد. انتشار تصویر کسی که هنوز دلایل اتهام او بررسی و حکم محکومیت او صادر و قطعی نشده است و معرفی او به‌عنوان متهم (و یا حتی گاه مجرم) فراری، برخلاف مقتضای اصل برائت و سبب شکل‌گیری فرض مجرمیت درباره او در اذهان افراد جامعه خواهد شد. حق شخص بر برائت و بی‌گناه فرض شدن، اختصاص به مکان محدودی به نام دادگاه ندارد، بلکه او حق دارد تا هنگامی که به‌علت حکم قطعی محکوم نگردیده، در فضایی وسیع‌تر و در کل جامعه بی‌گناه شناخته شده و بی‌گناه معرفی شود.^{۲۳} مردمی که چهره بدون پوشش و قابل‌شناسایی متهم را در روزنامه‌ها مشاهده می‌کنند و عمدتاً از افراد عادی و غیرمتخصص هستند، قادر به تفکیک متهم از مجرم نبوده، در داوری تأثیرپذیر خود به‌راحتی آنگ مجرمیت را بر پیشانی وی می‌نشانند. متأسفانه در عمل، مواردی از نقض اصل برائت نسبت به کسانی هم مشاهده شده است که مدعی بودند اساساً در روند تحقیقات نسبت به یک جرم در موضع متهم قرار

22. Dario Melossi, "Overcoming the Critical Criminology-Toward a Ground Labeling Theory," *Criminology* 23(2) (1985), 201.

۲۳. علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش،

۱۳۸۸)، جلد اول، چاپ سوم، ۲۰.

نداشته‌اند و تنها شباهت ظاهری میان عکس منتشرشده در روزنامه با چهره آنها سبب دستگیری ایشان شده است.

۳- نقش واکنش اجتماعی در پذیرش برچسب از سوی قربانی قضایی

هویت، ریشه‌ای اجتماعی دارد که طی تعامل مستمر با دیگران ایجاد می‌شود. خود، مفهومی ذهن‌گرایانه نیست، بلکه موضوعی اجتماعی است که در حوزه تجربه قرار می‌گیرد.^{۲۴} در زندگی اجتماعی، نوع نگرش دیگران به فرد، عامل شکل‌گیری خودآگاهی در اوست؛ زیرا، در جریان تعاملات، شخص به انجام اعمالی می‌پردازد و سپس، در پرتو واکنش‌های دریافتی از سوی دیگران، خود را شناسایی و سمت‌وسوی رفتارهایش را تعیین می‌نماید.^{۲۷ و ۲۶۲۵}

نظریه تعامل‌گرایی، به پیروی از رویکرد تعامل نمادین، بر اهمیت تصور فرد از من خود و نقش قابل‌تأمل دیگران در این زمینه، تأکیدی ویژه می‌نماید.^{۲۸} این نظریه، هویت و اعمال مجرمانه را برآیند واکنش‌های اجتماعی برچسب‌زننده از سوی گروه‌های غیررسمی و به‌ویژه، نهادهای رسمی کنترل جرم می‌داند و نسبت به آثار سوء فردی و اجتماعی چنین برخوردهایی هشدار می‌دهد.

اگر تعامل با دیگران، بر ارزیابی‌های انحرافی از شخص استوار باشد، چه‌بسا برچسب‌هایی منفی به او الصاق گردد. ممکن است به‌محض سرکشی اولیه از قواعدی که نقض آنها انحراف محسوب می‌شود، گروه‌های اجتماعی غیررسمی، فرد را حاشیه‌ای قلمداد نمایند. در این صورت، وی تحت نظارت دیگران قرار می‌گیرد، همواره نشانه‌های انحراف در او جستجو می‌شود یا حتی آشکارا از معاشرت با وی پرهیز می‌گردد. لذا، امکان اصلاح و ادامه مسیر در زندگی متعارف منتفی شده یا بسیار کاهش می‌یابد.^{۲۹} اساساً، الصاق برچسب منحرف به شخص، در روابط غیررسمی میان فردی، واجد دو اثر است.

۲۴. پیترو ورسلی، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان (تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۳)، ۱۸۴-۱۸۳.

۲۵. گی روشه، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر (تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۷۶)، ۱۶۱.

۲۶. حمیدرضا جلائی پور و جمال محمدی، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۷)، ۸۸.

27. K. Norman Denzin, *Symbolic Interactionism and Cultural Studies* (Bradford, United Kingdom: Emerald Group Publishing Limited, 1992), 4.

۲۸. رحمت‌الله صدیق سروستانی، آسیب‌شناسی جامعه انحرافات اجتماعی (تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳)، ۵۷.

۲۹. ژرژ پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

نخست) بر نوع نگاه دیگران به فرد مؤثر است. در واقع، طی فرایند تعامل، ابتدا افراد یا گروه‌هایی صفت منحرف را به شخص نسبت داده و تمامیت فردی او را به چالش می‌کشند. سپس، این نسبت، تفکر خود برچسب‌زنندگان و نیز شاهدان امر را متأثر می‌سازد. لذا، دیگران حتی به رفتارهای متعارف فرد هم با بدبینی نگریده و اصل را بر فساد اعمال وی می‌گذرانند. به‌علاوه، برخورد متفاوت و گاه نامناسبی با او می‌کنند که بیش از تشویق به هم‌نوایی، باعث افزایش تمایل به ایفای نقشی کج‌روانه خواهد شد؛^{۳۰}

دوم) بر طرز تلقی شخص از خود اثرگذار است. به‌دنبال برچسب‌زنی غیررسمی، چه‌بسا احساس ناامنی و اضطراب در فرد، رفتارهایی را موجب شود که انتظار برچسب‌زنندگان را برآورده می‌سازد. او هویت خویش را از نو ارزیابی و خود را به‌عنوان منحرف شناسایی می‌نماید؛ یعنی، برچسب را به‌عنوان هویتی شخصی پذیرفته و به خود تلقین می‌کند که پیش‌بینی دیگران، با درگیری وی در انحرافات بعدی محقق خواهد شد.^{۳۱} برخوردها و برچسب‌های وارده بر بزه‌دیدگان جرایم جنسی و خانوادگی از مصادیق بارز آن است؛ علاوه‌بر آن این برچسب‌ها گریبان‌گیر خانواده بزه‌دیدگان نیز خواهد شد. چه‌بسا شهود این جریان از مراجعه به نهاد عدالت کیفری جهت احقاق حق این نوع پرونده‌ها و بزه‌دیدگی‌ها خودداری نمایند.

۴- پیامدهای برچسب‌زنی نظام کیفری رسمی

تعامل‌گرایان، معتقدند که نقش حقوق و نهادهای کیفری در وضع قوانین کیفری، جرم‌انگاری رفتارها و نحوه اعمال آنها در چهارچوب مقررات آیین دادرسی کیفری، باید در مطالعات جرم‌شناختی جایگاهی ویژه پیدا کند؛ به‌گونه‌ای که، جرایم تا اندازه‌ای حاصل فرآیند پویای تعامل او با نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری محسوب گردد. لذا، هرچند برچسب‌های منتج از تعاملات غیررسمی، تأثیری عمده بر شخصیت دارند، اما تهدید نهایی برای هویت فرد را باید در واکنش‌های نظام کیفری جستجو کرد که در آن، وی به‌طور رسمی و گسترده معرفی می‌گردد^{۳۲} و بر این اساس، باید برچسب‌زنی رسمی را مهم‌تر و واجد عواقبی مخرب‌تر قلمداد نمود.

۳۰. محمد سلیمی و علی داوری، جامعه‌شناسی کج‌روی (تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰)، ۵۵۰.

۳۱. همان، ۵۵۱-۵۵۰.

۳۲. جفری اسپینس، تامس برنارد و برایان، ولد، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه

علی شجاعی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰)، ۳۰۱.

اقدامات مقام‌های قضایی و اجرایی عدالت کیفری در تعقیب، تحقیق، محاکمه و اجرای احکام کیفری، فضایی مادی و روانی، به نام محیط کیفری را ایجاد می‌نماید که فرد مدتی در آن رفت‌وآمد یا اقامت کرده و با متولیان آن در تعامل قرار می‌گیرد. چگونگی کنش متقابل با این محیط، می‌تواند سبب تنبه، همنوایی و بازپذیری اجتماعی شخص یا برعکس ضداجتماعی شدن، تقویت گرایش‌های مجرمانه و استقرار وی در دنیای بزهکاری یا گرایش بزه‌دیده به انتقام خصوصی و احساس بیگانگی از جامعه شود. حال، به اعتقاد تعامل‌گرایان، نفس این محیط، از اتهام انتسابی، جرم، از مظنون، متهم و از متهم و بزه‌دیده، مجرم ساخته و هویتی مجرمانه را در او می‌آفریند؛ یعنی، صرف درگیری در هر یک از مراحل عدالت کیفری، بیش از آنکه جرم‌زدا باشد، می‌تواند برجسب‌زننده و جرم‌زا باشد.

نحوه تعامل فرد با هر یک از مراحل رسیدگی کیفری که طی آن، برجسب‌زنی رسمی و آثار سوء آن در شکل‌گیری هویتی منحرفانه رخ می‌نماید، بدین شرح است: نوع ضابطان (عام یا خاص)، آموزش‌های حرفه‌ای و نحوه اقدام هر یک در تعقیب جرم، شیوه و محل دستگیری، طرز برخورد با فرد حین پیگیری ادله جرم، به‌ویژه برای متهم بی‌سابقه و بزه‌دیدگان خاص و بزه‌دیدگان جرایم خاص، به‌لحاظ روانی سرنوشت‌ساز بوده و چه‌بسا تصویر متفاوتی را از ضابطین که متولی امنیت و نماینده حاکمیت هستند، در ذهن او بیافریند. رفتارهای تحقیرآمیز در این مرحله، می‌تواند شخص را در آغاز فرایند کیفری به سمت کسب هویتی مجرمانه سوق دهد.^{۳۳} بدیهی است چنانچه محدوده اختیارات پلیس در امر تعقیب، وسیع، بی‌ضابطه و دور از نظارتی دقیق باشد، امکان سوءاستفاده از این اقتدار، غرض‌ورزی، خودسری، برخورد سلیقه‌ای با موارد حادث‌شده و برجسب‌زنی‌های آسیب‌زا، دوچندان می‌گردد. تحقیقات مقدماتی و به‌ویژه، عملیات بازجویی، مداخله فنی داشته و آشنایی مقام تحقیق با مهارت‌های حقوقی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی را می‌طلبد. آزار فرد برای کسب اقرار یا اطلاعات، طرح پرسش‌های مربوط به مسائل خصوصی، بیان مطالب تلقینی با هدف منکوب کردن شخصیت اطراف دعوا، استفاده از الفاظ تحقیرآمیز نه‌تنها انسانیت مقام تحقیق را زیر سؤال می‌برد، بلکه کرامت انسانی فرد را نیز مخدوش نموده و نوعی بدبینی را نسبت به نهادهای کیفری در او می‌پروراند. هرچه مدت رفت‌وآمد و تعامل با بازجویان خودسر و فاقد حس احترام به کرامت انسانی طولانی‌تر باشد، احتمال تخریب شخصیتی و ایجاد هویتی

۳۳. نجفی ابرنآبادی، مختصر جرم‌شناسی، تقریرات جمع‌بندی کارشناسی ارشد، پیشین، ۲۷-۲۵.

منحرفانه در شخص بیشتر می‌گردد. محاکمه نیز به‌عنوان مرحله پایانی و یکی از مهم‌ترین مراحل رسیدگی کیفری، آثار سوء خود را بر هویت و زندگی آینده فرد به‌جا می‌گذارد. فرایند دادرسی کیفری، حتی به فرض تبرئه نهایی متهم، هویت عمومی وی را تنزل بخشیده و منجر به تعریف دوباره او از خود، به‌عنوان مجرم، می‌گردد. رفتن به دادگاه، خوانده شدن اتهامات و مجرم شناخته شدن پس از جریان محاکمه، عواملی هستند که موجبات بدنامی و بی‌آبرویی فرد را فراهم می‌آورند. این امر درخصوص بزه‌دیده و به‌موجب طولانی بودن فرایند دادرسی، تماس هرچه مداوم‌تر و قطعی‌تر با دادگاه را به‌دنبال دارد که احتمال بدنامی را از سوی شخص، فزونی می‌بخشد. از این فرایند، به آیین موفقیت‌آمیز تحقیر و تنزل پایگاه یا مراسم فروداشت منزلت و جایگاه، تعبیر شده است.^{۳۴} اجرای احکام درخصوص محکومان صادق است، به‌ویژه اگر کیفر از نوع سالب آزادی باشد، موردعنایت خاص نظریه تعامل‌گرایی قرار گرفته است. تصمیم دادگاه به کیفر شخص و سپس اجرای این حکم، ابتدا وی را از وضعیت طبیعی در جامعه خارج ساخته و آنگاه به‌سوی نقشی کاملاً منحرفانه، سوق می‌دهد.^{۳۵} به‌طورکلی، در روند اجرای احکام کیفری گوناگون، شیوه نگرش و رفتار قاضی اجرای احکام، نحوه تعامل مسئولان و مأموران اجرایی با محکوم، نوع کیفر، فضای روانی حاکم بر اجرای مجازات و چگونگی اعمال عینی و مادی حکم صادره، می‌تواند به هویت و زندگی آینده شخص، شکلی جدید و متفاوت بخشد.

به همین دلیل، نظریه تعامل‌گرایی، بر لزوم تحدید دامنه مداخله نظام عدالت کیفری و توسل به تسامح هرچه بیشتر در قبال جرایم، ازطریق اتخاذ سیاست‌هایی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی و نهادزدایی با تأکید ویژه بر حبس‌زدایی، پا می‌فشارد.^{۳۶} این نظریه، ضمن عنایت به آثار برچسب‌زنی رسمی بر بزرگسالان، حساسیت ویژه‌ای را صرف تغییر مسیر اطفال و نوجوانان از فرایند کیفری و درصورت درگیری در این فرایند، معطوف دادرسی افتراقی و رهایی این گروه سنی حساس و آسیب‌پذیر از بدنامی می‌نماید.^{۳۷}

۳۴. لری سیگل و جوزف سنا، «دو نظریه واکنش اجتماعی؛ برچسب‌زنی و تعارض»، ترجمه جعفر محمدپور فرد، فصلنامه امنیت (معاونت امنیت وزارت کشور) ۴ (۱۲ و ۱۱) (۱۳۷۹)، ۶۰.

35. V. People Jahnsn, *Calofornia Case Law* (California: LibGuides at Loyola Law School, 2002), cal App 4th, 92.

۳۶. راب وایت، فیونا هینس، *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۲)، ۱۸۸.

۳۷. سلیمی و داور، پیشین، ۶۳۹.

۵- راهکارهای پیشگیری از برچسب‌زنی مجرمانه نظام کیفری و اجتماعی به

افراد

نظریه تعامل‌گرایی، بر اساس نگرش خود نسبت به علل جرم که نه به‌طور کامل، ولی تا حدی صحیح و به‌ویژه، در ارتباط با آثار سوءواکنش‌های برچسب‌زننده و سرکوبگر نظام کیفری در خلق پایگاه منحرفانه صادق است، بر اهمیت تسامح هرچه بیشتر در قبال جرایم و تحدید مداخله کیفری، در قالب سیاست‌هایی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی، نهادزدایی و قضازدایی تأکید نموده و بدین‌وسیله، آثار مثبت قابل‌ملاحظه‌ای را در سیاست جنایی، از خود به‌جا گذاشته است؛ اما، انتقاد قابل‌طرح در این خصوص، آن است که در این نظریه، به تدابیر اجتماعی یا دولتی جایگزین مداخله کیفری، به‌منظور پرهیز حداکثری از شکل‌گیری پایگاه مذکور، اشاره‌ای نشده است. در واقع، نظریه‌پردازان اصلی، برچسب‌زنی‌های رسمی در مراحل گوناگون عدالت کیفری را فرایندهایی جرم‌زا تلقی کرده‌اند، اما پیشنهادی در مورد برخورد مناسب ارائه نداده‌اند. حال آنکه، درست است که در پاسخ به هر انحراف کوچکی نباید به حقوق و نهادهای کیفری پناه برد، اما، جز در مواردی معدود، تسامح مطلق نیز جایز نبوده و باید تا حد امکان، از فرایندها و ضمانت‌اجراهای انسانی و معتدل که ضمن پاسخ نسبت به جرم، برچسب‌زننده و تحقیرآمیز نباشند، استفاده نمود.

لذا، شرح و بسط سیاست‌های چهارگانه مذکور و اتخاذ تدابیر جایگزین مداخله کیفری، مانند بهره‌گیری از مراجع قضایی غیرکیفری، توسل به ضمانت‌اجراهای اداری - انضباطی، مدنی و اجتماعی به‌جای واکنش کیفری، سود جستن از نهاد میانجی‌گری و مراجع شبه‌قضایی و غیرقضایی، ایجاد سازکارهای تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات، اعمال اصل اقتضاء داشتن تعقیب کیفری، استفاده از جایگزین‌های حبس و تا حدی، حرکت به سمت فرایندها و پاسخ‌های ترمیمی در سیاست جنایی معاصر، در واقع از ثمرات این نظریه و ملهم از اظهارات بنیادین و الهام‌بخش آن بوده و مستقیماً توسط بنیان‌گذاران نظریه طرح نگشته است. عدالت ترمیمی، بزه‌دیدگی متهم در اثر بدرفتاری مأموران نظام کیفری اجرایی و قضایی را در پی نخواهد داشت و اتفاقاً به متهم کرامت می‌بخشد تا در فضای چاره‌جویانه، توانمندی‌های خود را در مسیر جبران خسارات بزه‌دیدگی به‌کار گیرد و نه اینکه صرفاً ارباب شود و کیفر سستی تحمل کند و برچسب مجرمانه به او الصاق نگردد.

برخی اندیشمندان، با انتقاد به تمرکز بیشتر نظریه تعامل‌گرایی بر نقش برچسب‌زنی رسمی در مقایسه با برچسب‌زنی غیررسمی در آفرینش پایگاه مجرمانه و نیز تأکید بر لزوم

تحدید مداخله کیفری در جرم، بیان می‌دارند که نباید فرایند برچسب‌زنی را ساده انگاشت. برعکس، باید به خاطر سپرد که روند اکتساب برچسب‌ها، بسیار ظریف و دقیق بوده و در طیفی گسترده از نهادهای اجتماعی غیررسمی، به کار گرفته می‌شود؛ طیفی که دامنه‌ای بسیار فراگیرتر از قلمرو نظام عدالت کیفری دارد و درموردی، سبب می‌گردد که فرد، هنگام رسیدن به این نظام، مجموعه‌ای مستحکم از برچسب‌های منفی را همراه خود داشته باشد.^{۳۸} لذا، این تصور که تنها با تسامح رسمی و محدود ساختن مداخله کیفری، شخص در روابط اجتماعی و میان‌فردی نیز از برچسب‌زنی و پیامدهای منفی آن محفوظ می‌ماند، امیدیه واهی است.

در پاسخ به این انتقاد، باید اظهار داشت که نظریه تعامل‌گرایی، به هر دو نوع برچسب‌زنی رسمی و غیررسمی عنایت داشته، ولی به‌جهت برخورداری از نگرشی انتقادی نسبت به نظام عدالت کیفری، به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، توجه افزون‌تر خود را به عواقب برچسب‌زنی رسمی معطوف نموده و هدف آن، کاهش اختیارات و تعدیل ساختار و نحوه عملکرد این نظام است.

در راستای اهداف و رویکردهای نظریه برچسب‌زنی و با عنایت به مؤلفه‌های موردنظر این پژوهش، در راستای پیشگیری از این نوع آسیب، می‌توان به مواردی اشاره نمود: فرهنگ‌سازی یکی از این راه‌هاست. همان‌طور که از نام فرهنگ‌سازی پیداست، در واقع این فرایند مربوط به جامعه‌پذیری افراد است و جامعه‌پذیری مشتمل بر سه فرایند مهم آشناسازی، ایجاد دلبستگی و بعد از آن الزام است و این مهم حاصل نخواهد شد مگر با همکاری نهادهای مختلف جامعه اعم از ارگان‌ها، سازمان‌های مردمی، مدارس و خانواده و حتی ارگان‌های دینی که نقش بسزائی را در آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی دارند. از این‌رو، فرهنگ‌سازی در جامعه بدین‌منظور که نظام شخصیتی افراد به‌درستی شکل گیرد و آنها را به‌سوی جامعه‌پذیری سوق دهد، بسیار ضروری است. عدم‌تلاش و کم‌کاری مردم در مطالعه و خودآگاهی است که این سطح آگاهی پایین منجر به ترس از دستگاه قضایی خواهد شد؛ چه‌بسا این امر به اندازه‌ای افزایش یابد که فرد ترجیح دهد بزه‌دیدگی خود را پنهان سازد و وارد فرایند پیگیری نشود. توانمندسازی نیروی انسانی در نهاد عدالت کیفری، نظارت دقیق و همه‌جانبه اعم از خودنظارتی و نظارت‌های بیرونی، ارتقای سلامت اداری و تأمین اعتبارات

نهاد عدالت کیفری، بهره‌گیری از علوم روانشناسی و علوم اجتماعی، ارتقای اخلاق حرفه‌ای و نهادینه‌سازی آن از روش‌های غیرکیفری پیشگیری است. علاوه بر آن، نباید از اهمیت پیشگیری کیفری که جنبهٔ بازدارنده و ارعابی دارد، غافل بود. قوانین شفاف و صریح، متناسب با واقعیت‌های اجتماعی و به اندازه لازم سزادهنده در کنار روش‌های غیرکیفری و به‌عنوان ابزار نهایی و اعمال آن با قطعیت، به‌طور حتم راهگشا خواهد بود.

نتیجه

آسیب‌دیدگی قضایی به‌دلیل تبعات فراوان بر تفکرات عامه از عملکرد نظام قضایی و تحقق عدالت از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ علاوه بر آنکه دلایل حقوق بشری در زمینهٔ حقوق متهم نیز حائز توجه است. توجه به این نوع بزه‌دیدگی از نشانه‌های حقوق و جرم‌شناسی مدرن است. وجود قوانین برچسب‌زن و مقرردهای تخریب‌گرانه نسبت به حیثیت و شخصیت متهم که هر یک بنا به شرایط خود نیازمند به توجهات حقوق بشری هستند، از موجبات آسیب قضایی است. همچنین، علاوه بر قوانین که به شکل‌های مختلف می‌تواند موجبات قربانی شدن را فراهم کند، نحوهٔ عملکرد عوامل اجرایی نهاد عدالت کیفری مانند قضات و عوامل اداری نیز می‌توانند باعث برچسب زدن بر فرد شوند.

تعاملات نامناسب عوامل قضایی با ارباب‌رجوعان موجب الصاق برچسب منفی خواهد شد. این برچسب‌ها زمینه‌ساز انحراف در خود فرد نیز خواهد شد. چه‌بسا امکان اصلاح و ادامه روند زندگی متعارف منتفی شده یا بسیار کاهش می‌یابد. این بزه‌دیدگی هویت فرد را نشانه گرفته و بازخورد منفی آن به‌گونه‌ای است که فرد خود را در حالتی پست‌گونه تصور کرده و تمایل به ارزش‌های قضایی یا حتی ارزش‌های قراردادی اجتماعی را نخواهد داشت. لذا، اقدامات مقامات قضایی در مراحل تعقیب، محاکمه، اجرای احکام کیفری که محیط مادی و روانی کیفری را ایجاد می‌کنند، در این زمینه باید بسیار سنجیده و حساب شده باشند.

درنهایت، نتیجه تعامل این نظریه با قربانی شدن قضایی، لزوم تحدید مداخله نهاد عدالت کیفری و توسل به تسامح هرچه بیشتر در قبال جرایم از طریق اتخاذ سیاست‌هایی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی، نهادزدایی با تأکید ویژه بر حبس‌زدایی است. همچنین، راه‌های پیشگیری غیرکیفری از طریق آموزش‌های حقوقی به افراد و آموزش‌های تخصصی به قضات، فرهنگ‌سازی از طرق مختلف و اعمال نظارت دقیق بر عوامل قضایی و اجرایی

می‌تواند تأثیرات مثبتی بر جلوگیری از فرایند برچسب‌زنی گذارد. اصلاح قوانین نیز به‌عنوان ابزاری دوسویه - کیفی، غیرکیفری - می‌تواند مؤثر باشد. قوانین موضوعه باید با ترازوی واقعیت‌های اجتماعی سنجیده شود. در واقع، ناکارآمدی قوانین در تضاد آشکار با رسالت تصویب قوانین است که در نهایت موجبات آسیب‌دیدگی قضایی را فراهم می‌کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۷.
- آشوری، محمد. *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
- اسپینس، جفری، تامس برنارد و برایان ولد. *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*. ترجمه علی شجاعی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- پرادل، ژان. *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- پیکا، ژرژ. *جرم‌شناسی*. ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، جمال محمدی. *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- دانش، تاج‌زمان. *دادرسی اطفال بزهکار و حقوق تطبیقی*. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸.
- رایجیان، مهرداد. «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی». *مجله حقوقی دادگستری* ۵۲-۳ (۱۳۸۴): ۱۱۹-۷۵.
- رستمی، لمیاء، ندا محتشمی. «نظریهٔ تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن». *مجله مطالعات حقوقی* ۵ (۲) (پاییز ۱۳۹۲): ۱۰۱-۵۹.
- رهبری حق، زمان. «بررسی حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در تحقیقات مقدماتی و تطبیق آن با کنوانسیون‌های بین‌المللی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱.
- روشه، گی. *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۷۶.
- سلیمی، محمد، علی داوری. *جامعه‌شناسی کج‌روی*. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- سیگل، لری، جوزف سنا. «دو نظریه واکنش اجتماعی؛ برجسب‌زنی و تعارض». ترجمه جعفر محمدپور فرد. *فصلنامه امنیت (معاونت امنیت وزارت کشور)* ۴ (۱۲ و ۱۱) (۱۳۷۹): ۶۴-۵۴.
- شاهپوری، ته‌مین. «بزه‌دیدگی قضایی در مرحله مقدماتی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. *آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳.

- عیاچی، مریم. *حقوق کیفری اطفال در اسناد ملل*. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
- عباس حیدری، علی سودمند و پروانه مشکین‌یزد. «تحلیل مفهوم انگ (استیگما) بیماری روانی». *فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی بیرجند* ۱۱(۳) (۱۳۹۳): ۲۱۸-۲۲۸.
- عبدی، عباس. *مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی در ایران*. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- فرجاد، محمدحسین. *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات بدر، ۱۳۷۱.
- فلانگان، گریگوری. «مهندسی جرم». مترجم عباس ایمانی. *مجله کانون وکلا* ۱۸۸ و ۱۸۹ (بهار و تابستان ۱۳۸۴): ۱۶۹-۱۶۱.
- گسن، ریموند. *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. *جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی)*. تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۷۴-۱۳۷۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم‌بیگی. *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. *مختصر جرم‌شناسی*. تقریرات جمع‌بندی کارشناسی ارشد، مجتبی جعفری، ۱۳۸۷.
- وایت، راب، فیونا هینس. *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*. ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۲.
- ورسلی، پیترو. *جامعه‌شناسی مدرن*. ترجمه حسن پویان. تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۳.
- ورسلی، پیترو. *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۷۸.
- ویلیامز، فرانک پی، ماری لی دی مک‌شین. *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.

ب) منابع خارجی

- Braithwaite, J. "Setting Standards for Restorative Justice." *BRIT.J. Criminal* 42 (2002): 107-122.
- Denzin, K. Norman. *Symbolic Interactionism and Cultural Studies*. Bradford, United Kingdom: Emerald Group Publishing Limited, 1992.
- Jahnsen, V. People. *California Case Law*. cal App 4th. vol 98. California: Lib Guides at Loyola Law School, 2002.
- Melossi, Dario. "Overcoming the Critical Criminology-Toward a Ground Labeling Theory." *Criminology* 23(2) (1985): 193-208
- Orth, Uli. "Secondary Victimization of Crime Victims by Criminal Proceeding." *Social Justice Research* 15(4) (December 2002): 313-325
- Skalansky, David Alan. "Seeing Blue: Police Reform, Occupational Culture and Cognitive Burn-in." *Police Occupational Cultural* 75 (January 2007): 19-45.
- Tapia, Michael. "Untangling Race and Class Effects on Juvenile. Arrests." *The Journal of Criminal Justice* 38 (2010): 255-265.